



دانشگاه پیام نور
بخش علوم اجتماعی
مرکز تحصیلات تکمیلی
رساله

برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (ph. D.)
رشته: تاریخ ایران دوره اسلامی
گروه: تاریخ

عنوان رساله:

تصحیح نسخه خطی «گزارش وقایع فتنه شیخ عبیدالله و اکراد»

نظام علی دهنوی

استاد راهنما: دکتر محمد رضا نصیری
استاد مشاور اول: دکتر علی بیگدلی
استاد مشاور دوم: دکتر مهتری ادیسی

تیر ماه 1392

گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی و معنوی اثر

اینجانب نظام علی دهنوی دانشجوی ورودی سال 1387 مقطع دکتری تخصصی رشته تاریخ ایران دوره اسلامی گواهی می‌نمایم چنانچه در رساله خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می‌دانم و جواب‌گوی آن خواهم بود.

نام و نام خانوادگی دانشجو

نظام علی دهنوی

تاریخ و امضاء

اینجانب نظام علی دهنوی دانشجوی ورودی سال 1387 مقطع دکتری تخصصی رشته تاریخ ایران دوره اسلامی گواهی می‌نمایم چنانچه براساس مطالب رساله خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب و ... و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو

نظام علی دهنوی

تاریخ و امضاء

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این رساله متعلق به دانشگاه پیام نور می‌باشد.

ماه و سال

تقدیم به

همسر عزیزم؛

لاله مرادیان

ویگانه نازینم

بردیاد، منوی

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر محمد رضا نصیری، استاد محترم راهنما به خاطر کمک‌های
بیدریغشان در مراحل مختلف تهیه و تدوین این رساله سپاس فراوان دارم.

با سپاس از اساتید محترم مشاور، جناب آقای دکتر علی بیگدلی و سرکار خانم دکتر
مهری ادریسی که همواره با کثافت رویی سوالات بنده را پاسخ دادند. از اساتید محترم
داور جناب آقای دکتر داریوش رحمانیان، جناب آقای دکتر علیرضا علی صوفی
و جناب آقای دکتر شهرام یوسفی فربه خاطر دقت در بررسی و ارزیابی این
پژوهش بسیار سپاسگزارم. همچنین از سایر اساتید بزرگوار مرکز تحصیلات تکمیلی
دانشگاه پیام نور جناب آقای دکتر بوینک خسروی و جناب آقای دکتر شیخ
نوری شکر فراوان می‌نمایم. از همسر عزیزم سرکار خانم لاله مرادیان و فرزند
دلندم بر دیاد همسویی به خاطر محبت‌های فراوان و بردباری و تحمل زیادشان در طول
نقاش رساله، سپاس ویژه دارم.

نظام علی دهنوی

چکیده

شیخ عبیدالله، فرزند سید طه، از بزرگ‌ترین رهبران فرقه نقشبندی در کردستان عثمانی و ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم بود. او با استفاده از تحولات ایجاد شده در ساختار سیاسی - اقتصادی دولت عثمانی، توانست توان سیاسی، اقتصادی و نیز نفوذ معنوی خود را افزایش دهد. او پس از جنگ روسیه و عثمانی در سال‌های 1294-1295 ه.ق به بزرگ‌ترین رهبر قدرتمند در کردستان عثمانی تبدیل شد. وی در شعبان و رمضان 1297 سران اقشار مختلف کرد ایران و عثمانی را به مرکز قدرت خود؛ یعنی روستای نه‌ری دعوت کرد و نیات خویش را در ایجاد حکومتی مستقل اعلام کرد. شیخ سرانجام در ابتدای شوال 1297 در دو جبهه وارد مناطق کردنشین آذربایجان شد و شهرهای اشنویه، ساوجبلاغ (مه‌باد کنونی)، میاندوآب را تصرف کرد و توانست شهرهای مراغه، بناب و ارومیه را برای مدتی محاصره نماید. در مقابل، دولت ایران با اعزام نیروی فراوان و صرف هزینه گزاف شورش او را سرکوب نمود.

هدف این تحقیق تصحیح نسخه‌ای خطی تحت عنوان «گزارش وقایع فتنه شیخ عبیدالله و اکراد» که شامل مجموعه اسنادی ارزشمند در باب روند شورش در ایران از اواخر رمضان 1297 تا پایان صفر 1298 است. اهمیت این مجموعه آن است که حدود 800 سند از فرامین، دستورالعمل‌ها و گزارش‌های شاه، وزراء، ولیعهد و دیگر کارگزاران آذربایجان و فرماندهان ارشد نیروهای اعزامی به مناطق کردنشین آذربایجان را شامل می‌شود. این اسناد رسمی و دولتی، نگاه دولتمردان ایران را در باب شورش مذکور و نحوه برخورد با آن را مشخص می‌کنند و برای شناخت شورش بسیار حائز اهمیت‌اند. سؤال اصلی این تحقیق این است که شورش شیخ عبیدالله در ایران چه روندی پیمود و واکنش شاه و دولتمردان ایران در قبال آن چه بود؟

اسناد موجود در این مجموعه خطی نشان می‌دهند که شیخ عبیدالله نقشبندی با استفاده از توان بالقوه و نفوذ فراوان خود در راستای بسیج توده‌ها و ایجاد شبکه‌های گسترده از مریدان و خلیفه‌ها در دو سوی مرز ایران و عثمانی، اتحادی شکننده از اقشار مختلف کرد ایجاد نمود و از این طریق درصدی برآمد حکومتی مستقل تأسیس نماید. شیخ به دنبال پیگیری اهدافش، نارضایتی تعدادی از سران کرد منطقه مکرری از عملکرد حاکم ساوجبلاغ را بهانه قرار داد و سمت و سوی شورش را به این منطقه کشانید. حکام ایرانی نیز تا مدت‌ها پس از شورش از اهداف اصلی شیخ برداشت صحیحی نداشتند و اقدام او را نوعی تجاوز سرحدی تعبیر می‌کردند. بسیج تعداد زیادی از نیروهای نظامی ایران به فرمان شاه، ناهمگونی نیروهای شیخ و رایزنی پیوسته وزارت امور خارجه ایران با دولت‌های عثمانی، روسیه و بریتانیا اقدامات او را با شکست روبه‌رو کرد.

واژگان کلیدی: شیخ عبیدالله نه‌ری، کرد، کردستان، ایران، عثمانی.

اختصارات

در این رساله نام مراکز آرشیوی کشور به منظور ارجاع درون متنی به سند، به صورت کوتاه نوشته درآمده است:

متما = مطالعات تاریخ معاصر ایران

استادوخ = اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	1
فصل اول: کلیات تحقیق.....	8
1-1 بیان مسئله.....	9
2-1 پیشینه تحقیق.....	10
3-1 پرسش‌های تحقیق.....	11
4-1 فرضیه.....	12
5-1 روش تحقیق.....	12
6-1 اهداف پژوهش.....	12
7-1 اهمیت پژوهش.....	11
8-1 قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی).....	13
9-1 مفاهیم اصلی.....	13
10-1 نقد و بررسی منابع و مآخذ.....	17
فصل دوم: نگاهی اجمالی به شورش شیخ عبیدالله نهری.....	26
1-2 نگاهی کوتاه به روند جابه‌جایی قدرت در کردستان عثمانی در نیمه اول قرن نوزده.....	27
2-2 پیشینه خاندان شیخ عبیدالله.....	29
3-2 شیخ عبیدالله و جنگ روس و عثمانی به سال 1294-1295ه.ق.....	31
4-2 شورش کردهای عثمانی و واکنش شیخ عبیدالله.....	33
5-2 ارتباط شیخ عبیدالله با ایران؛ از مرگ سید طه تا حمله به ایران.....	39
6-2 شورش شیخ عبیدالله نهری در ایران.....	43
7-2 شیخ عبیدالله و جنگ ارومیه.....	55

فصل سوم: نسخه خطی گزارش وقایع فتنه شیخ عبیدالله و اکراد.....64

3-1. کتابچه ذکر وقایع فتنه و فساد شیخ عبیدالله و اکراد در سرحد آذربایجان و قلع و قمع آنها به

دست عساکر نصرت‌مآثر، به تاریخ شهر رمضان لوی‌ئیل 1297.....65

3-2. کتابچه ذکر وقایع فتنه و فساد شیخ عبیدالله و اکراد در سرحد آذربایجان و قلع و قمع آنها به

دست عساکر نصرت‌مآثر، به تاریخ شهر شوال لوی‌ئیل 1297.....67

3-3. کتابچه ذکر وقایع فتنه و فساد شیخ عبیدالله و اکراد در سرحد آذربایجان و قلع و قمع آنها به

دست عساکر نصرت‌مآثر، به تاریخ شهر ذی القعدة لوی‌ئیل 1297.....125

3-4. کتابچه ذکر وقایع فتنه و فساد شیخ عبیدالله و اکراد در سرحد آذربایجان و قلع و قمع آنها به

دست عساکر نصرت‌مآثر، به تاریخ شهر ذی الحجه الحرام لوی‌ئیل 1297.....339

3-5. کتابچه ذکر وقایع فتنه و فساد شیخ عبیدالله و اکراد در سرحد آذربایجان و قلع و قمع آنها به

دست عساکر نصرت‌مآثر، به تاریخ شهر محرم الحرام لوی‌ئیل 1298.....441

3-6. کتابچه ذکر وقایع فتنه و فساد شیخ عبیدالله و اکراد در سرحد آذربایجان و قلع و قمع آنها به

دست عساکر نصرت‌مآثر، به تاریخ شهر صفرالمظفر لوی‌ئیل 1298.....521

حواشی و تعلیقات.....579

نتیجه‌گیری.....603

کتابنامه.....606

پیوست‌ها.....612

مقدمه

شیخ عبیدالله نه‌ری، فرزند سید طه، از بزرگ‌ترین شیوخ نقشبندی کردستان در نیمه دوم قرن نوزدهم به شمار می‌رفت. سید طه در دوره محمد شاه قاجار معروف‌ترین رهبر نقشبندی در کردستان عثمانی بود. او نفوذ زیادی در دربار قاجار داشت و دو تن از زنان شاه از مریدان او به شمار می‌رفتند. این نفوذ او در دربار و مناطق کردنشین دو کشور ایران و عثمانی باعث شد که شاه ایران چند روستا در منطقه مرگور، از توابع ارومیه، جهت تأمین بخشی از مخارج خانقاه پر رونق او در روستای نه‌ری، از توابع ولایت حکاری، به وی واگذار نماید. او در امور سیاسی دخالت نداشت؛ ولی رابطه‌ای نزدیک با شیخ شامل داغستانی، دشمن دیرینه روس‌ها داشت. اما شیخ عبیدالله غیر از پرداختن به امور معنوی، در مناقشات سیاسی نیز دخالت کرد و در نهایت در پی اجرای سیاست‌های تمرکزگرایانه عثمانی‌ها به بزرگ‌ترین رهبر سیاسی و معنوی کردها در آن کشور تبدیل شد. گسترش نفوذ توأمان سیاسی و معنوی شیخ و افزایش بنیه اقتصادی‌اش بر دامنه اقتدار او افزود و باعث شد که مریدان بی‌شماری در کردستان عثمانی و مناطق کردنشین ایالت آذربایجان گرد وی جمع شوند.

پس از شکست عثمانی‌ها از نیروهای روسیه در سال‌های 1878-1877 م (1295-1294 ه.ق) و برخورد‌های قوم‌گرایانه برخی از فرماندهان ارتش عثمانی با کردها در طول جنگ و عواملی دیگر، شیخ را به فکر تأسیس حکومتی مستقل انداخت. شیخ در راستای اجرای خواست‌ها و نیت خود، با کنسولگری‌های روسیه در شهرهای وان و ارزروم ارتباط برقرار نمود و از طریق یکی از خلیفه‌هایش نیت خود را به اطلاع روس‌ها رساند. روس‌ها که خاطره شورش 30 ساله شیخ شامل در مناطق ماوراء قفقاز را نیک به یاد داشتند، وجود حکومتی مستقل به ریاست شیخی نقشبندی با شبکه‌ای گسترده از مریدانش در کنار مرزهایشان را خطرناک تلقی کردند و از این روی از وی حمایت نکردند. شیخ پس از دریافت پاسخ منفی از روس‌ها، درصدد نزدیکی به انگلیسی‌ها برآمد. وی با اعزام یکی از خلیفه‌هایش به نزد کلایتون، کنسول آن کشور در وان، نیت خود را به اطلاع مقامات بریتانیا رساند؛ اما شواهد نشان می‌دهد که انگلیسی‌ها نیز پاسخ مثبتی به خواست‌های او ندادند.

شیخ عبیدالله در نهایت در شعبان 1297 (ژوئیه 1880) با دعوت از 200 نفر از بزرگان کُرد ایران و عثمانی در نه‌ری، نیت خود را چنین ابراز کرد: «550 سال قبل، حکومت عثمانی تأسیس شد. آن‌ها از راه نامشروع قدرت را به دست گرفتند و اکنون حکومت آنان رو به زوال است.» وی در ادامه به نیت اصلی خویش؛ یعنی تشکیل حکومتی مستقل در مناطق کردنشین ایران و عثمانی اشاره کرد

(شمزینی، 1986: 61. خالفین، 1971: 179. جلیل، 1987: 114). این نخستین نشست کردها در نهری به ریاست شیخ عبیدالله، نگرانی عثمانی‌ها را برانگیخت و آنان با اعمال نفوذ و ایجاد فشار بر برخی از سران گُرد درصدد هدایت توان بالقوه کردها در راستای سرکوب و مقابله با ارمنی‌ها و نستوری‌های آناتولی برآمدند. شیخ با درک شرایط، نقشه عثمانی‌ها را فاش کرد و به سران کردها متذکر شد که بخشی از قدرت و توان کردها در عثمانی به خاطر حضور دیگر اقوام در آناتولی است. او در جلسه دوم در رمضان 1297 (اوت 1880)، بنا به دلایلی سمت و سوی شورش را به جانب ایران کشاند. شیخ دو نفر از مریدان خود را به نزد عباس میرزا ملک آرا در تهران فرستاد که در این شورش او را یاری دهد، در مقابل سلطنت در ایران را با حمایت کردها به دست آورد و مناطق کردنشین نیز تحت رهبری خود شیخ مستقل شوند. ملک آرا فرزند محمد شاه از خدیجه بیگم گُرد چهریقی و مرید سید طه پدر شیخ عبیدالله بود. ملک آرا که از هنگام مرگ پدر مورد غضب ناصرالدین شاه و مهد علیا بود، سال‌های زیادی در خاک عثمانی در تبعید به سر برد و به تازگی و با وساطت‌های زیاد بعد از سال‌ها زندگی در غربت وارد ایران شده بود و همیشه از سوی مأموران و جاسوس‌های شاه تحت نظر بود. این اقدام شیخ، ملک آرا را دچار ترس و واهمه زیاد کرد و او فرستاده‌های شیخ و نامه او را به شاه ایران تحویل داد.

شیخ عبیدالله برای حمله به ایران نیروهای خود را به سه گروه تقسیم کرد: یکی به فرماندهی پسرش شیخ عبدالقادر و حمزه آغا منگور از راشنویه به سمت ساوجبلاغ مأمور کرد و گروه دیگر به فرماندهی شیخ محمد صدیق پسر ارشدش و خلیفه محمد سعید از راه مرگور عازم ارومیه نمود و خود نیز با سپاهی در پی او عازم آن منطقه شد. اردوی عبدالقادر در 7 شوال 1297 اشنویه را تصرف و پس از تسخیر جلگه سلدوز و همراه نمودن عشایر قراپاق، به سمت ساوجبلاغ حرکت کرد و در 19 شوال آن سال توانست کنترل آن شهر را به دست گیرد و خان بابا خان، زمیندار معروف مکر، را حاکم آن شهر کند. او در ابتدا درصدد بود به سمت شهر سقز حرکت کند؛ اما با درخواست کمک از سوی اهالی روستاهای منطقه «سیلکی»، نزدیک مراغه، رأی خویش را به جانب آن منطقه تغییر داد (افشار، نسخه خطی: 20. علی‌اکبر، نسخه خطی: 17-18. نادر میرزا، 1373: 437).

از همان روزهای آغازین ورود نیروهای شیخ به مناطق کردنشین آذربایجان، برخی از عشایر گُرد منطقه ورود نیروهای او را به ولیعهد اطلاع دادند و در نهایت ولیعهد در تلگراف‌های مکرر به شاه، از وی می‌خواهد اردویی مجهز از تهران برای سرکوب شیخ به آذربایجان اعزام دارد. شاه و وزراء توجهی

به درخواست‌های ولیعهد ندارند و این گزارش‌ها را مهم تلقی نمی‌کنند؛ اما از آن سوی، نیروهای عبدالقادر میان‌دوآب را تصرف کرده بودند. در روزهای پایانی ماه شوال و ابتدای ماه ذی‌قعدة شورش از نظر شاه و مقامات تهران جدی گرفته شد. شاه در ابتدای ذی‌قعدة به کاربه‌دستان آذربایجان و به خصوص ولیعهد و تیمور پاشا خان، رئیس قشون خوی و ماکو، دستور داد با تمام توان به مقابله با شورش برخیزند. به فرمان شاه، از تهران نیز اردویی به تعداد 12 هزار نفر به فرماندهی حمزه میرزا حشمت‌الدوله به مناطق کردنشین آذربایجان اعزام گردید. همچنین حسن علی خان گروسی به اتفاق فوج گروس، نصرالله خان نصرالملک به فرماندهی دو فوج قزوین و نیز افواج خمسه و زنجان و دیگر مناطق به فرمان شاه در این مسیر به نیروهای دولتی پیوستند.

شاه در سوم ذی‌قعدة میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) را که در این زمان حاکم قزوین بود با اختیار تام به عنوان پیشکار آذربایجان و مسئول تنظیم و تنسیق امور آن ولایت و اعزام قشون و ارسال قورخانه به میدان جنگ و تنظیم و هماهنگی میان اردوهای سرکوبگر شورش به آن ولایت اعزام شد.

شاه به رغم اعزام فردی سیاستمدار و کاردان چون میرزا حسین خان به آذربایجان جهت هدایت امور جنگ، خود به طور مستقیم بر کلیه امور اقتصادی و نظامی ولایت مذکور نظارت داشت و حتی میزان و نحوه ارسال سلاح و فشنگ نیز به دستور مستقیم او صورت می‌گرفت. او به ولیعهد و میرزا حسین خان مشیرالدوله و نیز کلیه فرماندهان ارشد قشون چون مصطفی قلی خان، فرمانده قشون آذربایجان در مسیر مراغه و بناب و تیمور پاشا خان، فرمانده قشون خوی و ماکو و نیز حمزه میرزا حشمت‌الدوله، فرمانده اردوی اعزامی از تهران دستور داد که به طور روزانه و هفته‌ای دو بار گزارش کامل عملکرد قشون خود و نیروهای شیخ را به وی تلگراف نمایند.

شاه و دیگر فرماندهان جنگ، با ارسال نامه‌های متعدد به سران کُرد مکرری و قراپاپاق حاضر در قشون شیخ زاده، به تهدید و تأمین جانی و مالی آن‌ها پرداختند و با ایجاد جنگ روانی توانستند بخش عمده‌ای از نیروهای عبدالقادر را تا پیش از رسیدن سپاه ایران جدا کنند و بدین طریق توان جنگی کردها کاهش شدیدی یافت.

در ارومیه شیخ عبیدالله گرچه توانست به مدت سه روز شهر را محاصره نماید؛ اما تعلق وی در تسخیر شهر و عواملی دیگر باعث شد که او نتواند آن شهر را تصرف نماید و سرانجام نیروهای امام قلی

خان اقبال الدوله، حاکم ارومیه و نیز افواج خوی و ماکو به فرماندهی تیمور پاشا جلالی توانستند او را شکست دهند.

موضوع تحقیق حاضر تصحیح نسخه‌ای خطی تحت عنوان «گزارش وقایع فتنه شیخ عبیدالله و اکراد» در دوره ناصری است. این نسخه شامل مجموعه فرامین، دستورالعمل‌ها و گزارش‌های شاه، وزراء، ولیعهد، میرزا حسین خان سپهسالار و فرماندهان اصلی قشون در قالب تلگراف در باب شورش کردها است. منطقه جغرافیایی تحت پوشش این اسناد، ایالت آذربایجان است. محدوده زمانی اسناد مذکور از اواخر رمضان 1297 تا پایان صفر 1298 است. مجموعه اسناد گردآوری شده در این نسخه شامل 799 سند است که بسیاری از آن‌ها گزارش‌های مفصلی است در چندین صفحه که برای شناخت اوضاع نظامی، ساختار سیاسی و اقتصادی ایران و بخصوص ایالت آذربایجان در دوره ناصری بسیار حائز اهمیت است. بررسی بسیاری از منابع تاریخی دوره قاجار نشان می‌دهد تاکنون چنین مجموعه‌ای از اسناد و مدارک در باب یک واقعه تاریخی در یک دوره زمانی شش ماهه به دست نیامده است. این اسناد می‌توانند کمک زیادی به شناخت یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی این دوره؛ یعنی شورش شیخ عبیدالله نه‌ری نمایند. همچنین این مجموعه تا حدودی سیاست‌های دولت عثمانی را در قبال شورش شیخ مشخص می‌کند.

این رساله علاوه بر چکیده و مقدمه به سه فصل و حواشی و تعلیقات و نیز نتیجه‌گیری تقسیم شده است:

فصل اول تحت عنوان کلیات تحقیق؛ به بیان مسئله، سؤال‌های تحقیق، فرضیه، اهداف پژوهش، اهمیت پژوهش، روش تحقیق، مفاهیم اصلی و نقد و بررسی منابع و مآخذ می‌پردازد.

در فصل دوم پس از نگاهی اجمالی به شورش شیخ عبیدالله نه‌ری، موضوعاتی چون نگاهی کوتاه به روند جابه‌جایی قدرت در کردستان عثمانی در نیمه اول قرن نوزدهم، پیشینه خاندان شیخ عبیدالله، شیخ عبیدالله و جنگ روس و عثمانی به سال‌های 1877-1878 م (1294-1295 ه.ق)، شورش کردهای عثمانی و واکنش شیخ عبیدالله، ارتباط شیخ عبیدالله با ایران؛ از مرگ سید طه تا حمله به ایران، شورش شیخ عبیدالله نه‌ری در ایران و شیخ عبیدالله و جنگ ارومیه مورد بررسی قرار می‌دهد.

در فصل سوم، نسخه خطی گزارش وقایع فتنه و فساد شیخ عبیدالله و اکراد تصحیح می‌گردد. این نسخه به شش بخش تقسیم شده است که بخش نخست آن شامل دو سند است که به مسائل و

موضوعات اواخر ماه رمضان 1297 در مورد اقدام لطفعلی خان کشیکچی باشی، حاکم ساوجبلاغ، جهت دستگیری حمزه آغای منگور و واکنش شاه به این قضیه می‌پردازد.

بخش دوم شامل 110 سند در ماه شوال 1297 است که در باب موضوعاتی چون درخواست‌های مکرر ولیعهد از شاه برای ارسال سلاح و اعزام قشون دولتی جهت سرکوب شورش کردها و واکنش‌های شاه و وزراء به آن، اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایالت آذربایجان به دنبال قحطی سال 1296 ه.ق، وضعیت قشون و قورخانه آن ایالت هنگام حمله شیخ عبیدالله، پیشروی‌های شیخ عبدالقادر در آن ایالت و اقدامات او در مناطق تحت تصرف می‌باشد. در این بخش چند سند در باب حکومت قاین و نقش میرزا حسین خان مشیرالدوله و نیز برخی مسائل مالی مشیرالدوله در خراسان وجود دارد.

بخش سوم شامل 412 سند در ماه ذی‌قعدة 1297 است که مسائلی همانند دستور سریع شاه به ولیعهد برای اعزام قشون آذربایجان جهت مقابله با نیروهای شیخ، اعزام میرزا حسین خان مشیرالدوله با اختیار کامل از قزوین به آذربایجان جهت مدیریت بحران و رتق و فتق امور آن ولایت، اعزام حمزه میرزا حشمت‌الدوله به فرماندهی 12 هزار قشون دولتی به مناطق کردنشین آذربایجان، گزارش‌های متعدد از مصطفی قلی خان اعتمادالسلطنه، فرمانده قشون اعزامی از آذربایجان در سمت بناب، مراغه و ساوجبلاغ از وضعیت قشون تحت امر خود و نبردهای وی با کردها و نیز اوضاع اقتصادی و اجتماعی مناطق مذکور در آن شرایط بحران، گزارش‌های روزانه حشمت‌الدوله از وضعیت سلاح، فرماندهان و افواج تحت امر خود و بسیاری از موانع و مشکلات به کامران میرزا نایب‌السلطنه و شاه، گزارش‌های دیگر فرماندهان چون تیمور پاشا جلالی و حسن علی خان گروسی به ولیعهد و شاه و نیز گزارش‌های مفصل میرزا حسین خان به شاه و فرامین و احکام شاه به افراد مذکور را در بر می‌گیرد. همچنین در این فصل، اسناد مهمی چون حکم اعطای مجدد لقب سپهسالاری به میرزا حسین خان، نامه‌هایی چند از بزرگان گُرد منطقه مکری در باب پیوستن آن‌ها به صف مخالفان شیخ، نامه‌های شاه و فرماندهان قشون به بزرگان گُرد مکری به منظور پیوستن آن‌ها به قشون دولتی، گزارش‌های مأموران مخفی در باب نیروهای شیخ و وضع مناطق تحت تصرف او، مکاتبات سفیرکبیر عثمانی با مقامات ایران و نامه‌های برخی از فرماندهان و بزرگان عثمانی مستقر در حدود ایران به فرماندهان ایرانی و واکنش رسمی دولت عثمانی در قبال شورش، گزارش‌های مفصل در باب محاصره ارومیه توسط شیخ و نحوه شکست او، اقدامات کردها در مناطق تحت تصرف خود و نیز واکنش‌های نیروهای اعزامی از آذربایجان در قبال آن‌ها و مردم منطقه از دیگر اسناد ارزشمند این فصل است.

بخش چهارم شامل 138 سند در ماه ذیحجه 1297 است. اسناد این فصل بیش تر شامل گزارش- های بسیار مفصل سپهسالار در باب اوضاع ولایت آذربایجان و قشون اعزامی در مناطق کردنشین، عملکرد اردوی تهران و قشون اعتمادالسلطنه در کشتار زنان و کودکان بی گناه گرد و غارت اموال و تخریب روستاهای کردنشین در صایین قلعه، ساوجبلاغ و اشنویه، حکم اعزام سپهسالار به ساوجبلاغ برای فرماندهی کل قشون پس از مرگ حشمت الدوله در 7 ذیحجه و نیز رسیدگی به امور سرحدات و برنامه ریزی با نمایندگان عثمانی جهت تعقیب شیخ و رهبران شورش در خاک عثمانی، گزارش های مفصل تیمور پاشا جلالی در باب اوضاع ارومیه و قشون آن از ابتدای محاصره شیخ تا شکست او است.

بخش پنجم شامل 61 سند در ماه محرم 1298 است. بیش ترین گزارش ها و تلگراف های این ماه میان شاه و سپهسالار در باب مسائلی چون سرکوب و تنبیه ایل منگور، تنظیم امور قشون، انتصاب گروسی به حکومت صایین قلعه و ساوجبلاغ و اقدامات وی در آن مناطق و بخصوص رویکرد او در قبال حمزه آغا منگور، ایجاد ساخلو در مناطقی چون مهاباد، مرگور، لاهیجان، اشنویه، ارومیه و خوی رد و بدل شد.

گزارش های مفصلی از تیمور پاشا جلالی در باب اوضاع قشون تحت امر خود و نحوه تسخیر مناطق تحت تصرف شیخ و دیگر اقدامات او آمده است. اسنادی مفصل از ملاقات برخی از مقامات ایران با سفیر کبیر عثمانی در ایران در باب مقابله عثمانی با شیخ و سران فراری گرد و تشریح اوضاع و شرایط کردهای آواره ایران در خاک عثمانی از زبان مقامات آن کشور و نیز گزارش های مفصلی در باب کشتار وحشتناک کردها و قتل عام آنها به دست قشون ایران، اخذ مالیات ساوجبلاغ و وجوهی تحت عنوان «روسیاهی» از سران گرد سهیم در شورش شیخ و تهدید سران کردی که به خاک عثمانی گریخته بودند و نامه هایی از شیخ عبیدالله به دکتر کوچران آمریکایی ساکن ارومیه در این فصل موجود است.

بخش ششم شامل 78 سند در ماه صفر 1298 می باشد. در ابتدای این ماه اسنادی چند در باب شکایات وزیر مختار روسیه از ایران به خاطر تجاوزهای مکرر ایل شاهسون و برخی از افراد در جلگه مغان به خاک روسیه و پاسخ های ولیعهد به اعتراض شاه ایران در باب این رویدادها آمده است. مابقی اسناد راجع به موضوعاتی چون تعهد علی خان شکاک به سپهسالار به منظور تأمین امنیت در خوی، سلماس و اطراف ارومیه، جانشینی موقت مصطفی قلی خان اعتمادالسلطنه به جای سپهسالار، اختیار تام گروسی در امر حکومت در صایین قلعه و ساوجبلاغ، ایجاد ساخلو در برخی نقاط سرحدی آذربایجان، ایجاد رعب و وحشت در میان کردهای ولایت آذربایجان و خالی شدن شهر اشنویه از

جمعیت به خاطر ترس از سپاه ایران، تخریب و تحریق 42 روستای منطقه مرگور توسط اردوی نظامی ایران و رسیدگی سپهسالار به مسئله کمبود شدید نان در شهر تبریز می‌باشد.

در خاتمه، تأکید بر این نکته را بر خویشتن فرض می‌داند تا از راهنمایی‌های خردمندان استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محمد رضا نصیری و اساتید محترم مشاور جناب آقای دکتر علی بیگدلی و سرکار خانم دکتر مهری ادیسی که در تصحیح این نسخه از هیچ گونه راهنمایی دریغ نفرمودند کمال تشکر و سپاسگزاری را اظهار دارد. از جناب آقای دکتر شاه بختی رستمی به خاطر کمک در ترسیم نقشه‌ها نهایت تشکر را دارم.

فصل اول:

کلیات تحقیق

1-1. بیان مسئله

در ایران از روزگاران پیشین تا دوره حکمرانی ناصرالدین‌شاه حکام مناطق کردنشین معمولاً از میان بزرگان منطقه انتخاب می‌شدند و این امر بر ایجاد ثبات و آرامش در این مناطق تأثیر زیادی داشت. با اعمال سیاست تمرکزگرایانه از سوی ناصرالدین‌شاه و انتصاب حاکمان غیر کُرد در مناطق کردنشین و اخذ مالیات‌های بیش‌تر از سوی حکام منتصب از مرکز، زمینه برای نارضایتی زمینداران و عشایر مساعدتر گردید. در این زمان در ایالت آذربایجان مظفرالدین میرزا ولیعهد و پیشکار وی نقش اصلی در انتصاب حکام نواحی مختلف این ایالت را به عهده داشتند. آنان در بسیاری از موارد با دریافت مبالغی رشوه، حکومت منطقه‌ای را به فردی نالایق می‌سپردند که این امر منجر به ایجاد بحران در آن منطقه و گاهی برای دولت مرکزی می‌شد.

حکام منتصب از سوی تهران و تبریز با شرایط و اوضاع مناطق کُردنشین آشنایی چندانی نداشتند. آنان که از سویی امکان داشت هر لحظه به دستور مقام مافوق خود عزل شوند و از جانب دیگر وابستگی مادی و معنوی چندانی نسبت به مناطق تحت امر خود نداشتند؛ برای کسب حداکثر ثروت و قدرت، ستم زیادتری به کُردها روا می‌داشتند. شواهد نشان می‌دهد چنین رویه‌ای از سوی امرا و حکام منطقه‌ای کم‌تر دیده می‌شد؛ زیرا آن‌ها برای جلب رضایت مردم خود و بهره‌وری بیش‌تر، بخشی از درآمدشان را صرف آبادانی، پیشرفت و رسیدگی به امور مناطق تحت امر خویش می‌کردند. مسئله دیگر، وجود رقابت‌های طولانی مدت میان عشایر و طوایف به منظور دستیابی به مراتع و چراگاه‌های بیش‌تر بود که حکام غیر کُرد آشنایی چندانی به نحوه برخورد با آن مسائل را نداشتند که این خود بر دامنه آشوب‌ها در آن مناطق می‌افزود.

همزمان با این تحولات در دوره ناصری، شیخ عبیدالله نهری یا نقشبندی به دلیل اجرای تحولات ساختاری در عثمانی و بنا به شرایطی دیگر، به بزرگ‌ترین رهبر سیاسی و معنوی کردها در آن کشور تبدیل شد. او در مناطق کردنشین آذربایجان نیز صاحب چند روستا بود و به قداست خاصی در نزد آنان معروف بود. شیخ با تکیه بر قدرت اقتصادی فراوان خود و نیز با استفاده از شبکه گسترده مریدانش، نفوذ زیادی در آن مناطق کسب کرد.

انتصاب حکام نالایق و ناآشنا به اوضاع و شرایط در منطقه مکرری با مرکزیت ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) زمینه برای نارضایتی برخی از بزرگان آن منطقه در دوره ناصری فراهم کرد. شیخ عبیدالله با استفاده از نارضایتی آنان و نیز با تکیه بر نفوذ معنوی خویش به دنبال اجرای نقشه‌های خود در شوال

1297 به ایران حمله کرد. او با استقبال مردم وارد شهرهای اشنویه و مهاباد شد و سپس توانست میان‌دوآب را تصرف و شهرهای مراغه و ارومیه را محاصره کند. سرانجام دولت ایران با اعزام نیروی فراوان از تهران و آذربایجان و صرف هزینه گزاف شورش را سرکوب و آرامش را در مناطق کردنشین برقرار کرد.

تحلیل این رویداد مهم و تأثیر گذار در دوره قاجار نیاز به اسناد و مدارک موثق و معتبر دارد که از آن طریق بتوان به فرایند شکل‌گیری و روند تحولات این شورش پی‌برد. از همین رو، مسئله اساسی این پژوهش بازخوانی، تصحیح و ارائه اسناد، مدارک و گزارش‌های رسمی و دولتی است که در یک نسخه خطی به صورت مجموعه اسناد گرد آمده است.

2-1. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های جامعی در خصوص شورش شیخ عبیدالله در ایران صورت نگرفته است. آن دسته از تحقیقاتی که توسط ایرانیان و محققان خارجی در خصوص تاریخ کرد و کردستان در سده نوزدهم نگاشته شده اند اشاراتی کوتاه به شورش شیخ نموده اند؛ اما چون موضوعات مورد بحث آنان گسترده است به جزئیات شورش مذکور پرداخته اند. در ایران مقاله ای تحت عنوان «شورش شیخ عبیدالله نقشبندی و تأثیر آن در مناسبات ایران و عثمانی در دوره ناصری» توسط دکتر داریوش رحمانیان و جواد ابوالحسنی نگاشته شده است. این مقاله ارزشمند، چنان که از عنوان آن پیداست، بیش تر در باب نقش شورش در مناسبات دوجانبه دول ایران و عثمانی است. در مقاله مذکور ضمن نگاهی اجمالی به شورش شیخ عبیدالله، به نقش بریتانیا و بخصوص عثمانی در ایجاد شورش و حمایت از اهداف شیخ اشاره شده است. نویسندگان، شورش مذکور را به طور کلی نتیجه توطئه این دو دولت می دانند. به نظر نگارنده، این نتیجه‌گیری نویسندگان مقاله به دلایلی چون عدم استفاده از اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه ایران و نیز آن بخش از نامه‌های دولت عثمانی به کارگزاران ایران که اکنون در آن وزارت خانه محفوظ است و نیز عدم استفاده از چندین نسخه خطی منحصر به فرد در باب شورش مذکور، که در بحث ارزیابی منابع در این رساله به آن‌ها پرداخته شده است، و همچنین عدم رجوع به اسناد منتشر شده بریتانیا در باب شورش شیخ، صحیح نیست.

همزمان با نگارش این رساله و تصحیح این نسخه خطی توسط نگارنده، نسخه مذکور توسط یوسف بیگ باباپور و مسعود غلامیه تصحیح و از سوی انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ گردید. مصححان با نگارش مقدمه‌ای بر این اثر ارزشمند، به موضوعاتی چون شورش شیخ عبیدالله و حمله او به مناطقی از ایالت آذربایجان و ساختار ارتش ایران در آن روزگار پرداخته اند.

در این مقدمه، از اسناد و نیز تعدادی از نسخ خطی در باب شورش شیخ استفاده نشده است و نیز تا حدودی نگاهی یک سویه و بدبینانه به شورش دارد. آنان در تصحیح متن نهایت دقت را بکار برده اند؛ اما از آن جایی که بسیاری از اسناد فاقد عنوان هستند، مصححان این اسناد را مجزا نکرده و عنوانی بر آن ها نیافزوده اند.

روس‌ها در باب شورش مذکور پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند که از جمله می‌توان به پژوهش ارزنده جلیل جلیل، پژوهشگر گرد ارمنستانی اشاره کرد که در سال 1963 م رساله دکترای خود را به زبان روسی تحت عنوان «راپه‌رینی کورده‌کان له سالی 1880 (جنبش کردها در سال 1880)» نگاشت و کاووس قفتان آن را به زبان کردی ترجمه و در عراق به چاپ رساند. جلیل با تکیه بر اسناد وزارت خارجه روسیه، انگلستان و خاطرات کنسول‌های روسی، پژوهش ارزشمندی ارائه کرد. آن بخش از کتاب وی در مورد اقدامات شیخ عبیدالله در خاک عثمانی پیش از حمله به ایران حاوی مطالب سودمند و ارزنده‌ای است؛ اما نویسنده به علت عدم دسترسی به اسناد و منابع ایرانی، اطلاعاتش درباره ارتباط شیخ با ایران پس از مرگ سید طه و نیز روند شورش وی در ایران بسیار موجز است. ارزش این کتاب با ضمیمه بیست و یک سند از اسناد آرشیوهای وزارت خارجه روسیه و انگلستان بسیار افزون‌تر شده است. این اسناد شامل نامه‌ها و تلگراف‌های سفارت روسیه در استانبول، کنسول‌های آن کشور در شهرهای وان، ارزروم و تبریز و نیز تلگراف‌های آبوت، کنسول بریتانیا در تبریز به تامسون، سفیر آن کشور در تهران، است. نامه‌های کامساراکان، کنسول روسیه در وان به دلیل ملاقات‌های مکرر با نماینده‌های شیخ عبیدالله و ارتباط نزدیک با اقدامات شیخ در عثمانی از اهمیت زیادی برای تحلیل اهداف و عملکرد شیخ پیش از شورش برخوردارند.

نویسنده دیگر روس ن. ا. خالفین، پژوهش با ارزش «خه‌بات له‌ری ی کوردستاندا» (مبارزه در راه کردستان) نگاشته است که به شورش کردهای عثمانی در قرن نوزدهم پرداخته است. وی با استناد به اسناد وزارت خارجه روسیه و منابع فراوان و معتبری چون خاطرات دیپلمات‌های روسی، در مورد شورش شیخ عبیدالله بحث می‌کند. آن بخش از مطالبی که درباره اقدامات شیخ عبیدالله در خاک عثمانی آمده، کمک زیادی به پژوهش حاضر کرده است؛ اما آن بخش از اثر وی که مربوط به حوادث شورش در ایران است بسیار خلاصه و موجز می‌باشد.

3-1. پرسش‌های تحقیق